

## قانون اجرای احکام مدنی (مصوب ۱۳۵۶)

فصل اول- قواعد عمومی

مبحث اول- مقدمات اجرا

ماده ۱- هیچ حکمی از احکام دادگاههای دادگستری به موقع اجرا گذارده نمی شود مگر اینکه قطعی شده یا قرار اجرای موقت آن در مواردی که قانون معین می کند صادر شده باشد.

ماده ۲- احکام دادگاههای دادگستری وقتی به موقع اجرا گذارده می شود که به محکوم علیه یا وکیل یا قائم مقام قانونی او ابلاغ شده و محکوم له یا نماینده و یا قائم مقام قانونی او کتباً این تقاضا را از دادگاه بنماید.

ماده ۳- حکمی که موضوع آن معین نیست قابل اجراء نمی باشد.

ماده ۴- اجرای حکم با صدور اجرائیه به عمل می آید مگر اینکه در قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

در مواردی که حکم دادگاه جنبه اعلامی داشته و مستلزم انجام عملی از طرف محکوم علیه نیست از قبیل اعلام آصالت یا بطلان سند، اجرائیه صادر نمی شود همچنین در مواردی که سازمانها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت طرف دعوی نبوده ولی اجرای حکم باید به وسیله آنها صورت گیرد صدور اجرائیه لازم نیست و سازمانها و مؤسسات مزبور مکلفند به دستور دادگاه حکم را اجرا کنند.

ماده ۵- صدور اجرائیه با دادگاه نخستین است.

ماده ۶- در اجرائیه نام و نام خانوادگی و محل اقامت محکوم له و محکوم علیه و مشخصات حکم و موضوع آن و اینکه پرداخت حق اجرا به عهده محکوم علیه می باشد نوشته شده و به امضاء رئیس دادگاه و مدیر دفتر رسیده و به مهر دادگاه ممهور و بای ابلاغ فرستاده می شود.

ماده ۷- برگهای اجرائیه به تعداد محکوم علیهم بعلاوه دو نسخه صادره می شود یک نسخه از آن در پرونده دعوی و نسخه دیگر پس از ابلاغ به محکوم علیه در پرونده اجرائی بایگانی می گردد و یک نسخه دیگر نیز در موقع ابلاغ به محکوم علیه داده می شود.

ماده ۸- ابلاغ اجرائیه طبق مقررات آئین دادرسی مدنی بعمل می آید و آخرین محل ابلاغ به محکوم علیه در پرونده دادرسی برای ابلاغ اجرائیه، سابقه ابلاغ محسوب است.

ماده ۹- در مواردی که ابلاغ اوراق راجع به دعوی طبق ماده ۱۰۰ قانون آئین دادرسی مدنی بعمل آمده و تا قبل از صدور اجرائیه محکوم علیه محل اقامت خود را به دادگاه اعلام نکرده باشد مفاد اجرائیه یک نوبت به ترتیب مقرر در مادین ۱۱۸ و ۱۱۹ این قانون آگهی می گردد و ده روز پس از آن به موقع

اجراء گذاشته می شود. در این صورت برای عملیات اجرائی، ابلاغ یا اخطار دیگر به محکوم علیه لازم نیست مگر اینکه محکوم علیه محل اقامت خود را کتباً به قسمت اجراء اطلاع دهد. مفاد این ماده باید در آگهی مزبور قید شود.

**ماده ۱۰- اگر محکوم علیه قبل از ابلاغ اجرائیه محجور یا فوت شود اجرائیه حسب مورد به ولی، قیم، امین، وصی، ورثه یا مدیر ترکه او ابلاغ می گردد و هرگاه حجر یا فوت محکوم علیه بعد از ابلاغ اجرائیه باشد مفاد اجرائیه و عملیات انجام شده به وسیله ابلاغ اخطاریه به آنها اطلاع داده خواهد شد.**

**ماده ۱۱- هرگاه در صدور اجرائیه اشتباهی شده باشد دادگاه می تواند رأساً یا به درخواست هریک از طرفین به اقتضای مورد، اجرائیه را ابطال یا تصحیح نماید یا عملیات اجرائی را الغاء کند و دستور استرداد مورد اجراء را بدهد.**

### **مبحث دوم - دادورزها (مأمورین اجرا)**

**ماده ۱۲- مدیر اجراء تحت ریاست و مسئولیت دادگاه انجام وظیفه می کند و به قدر لزوم و تحت نظر خود دادورز(مأمور اجرا) خواهد داشت.**

**ماده ۱۳- اگر دادگاه دادورز(مأمور اجرا) نداشته باشد و یادادورز(مأمور اجرا) به تعداد کافی نباشد می توان احکام را به وسیله مدیر دفتر یا کارمندان دیگر دادگاه یا مأمورین شهربانی یا ژندارمری اجراء کرد.**

**ماده ۱۴- در صورتی که حین اجرای حکم نسبت به دادورز(مأمور اجرا) مقاومت یا سوء رفتاری شود می توانند حسب مورد از مأمورین شهربانی، ژاندارمری و یا دژبانی برای اجرای حکم کمک بخواهند، مأمورین مزبور مکلف بانجام آن می باشند.**

**ماده ۱۵- هرگاه مأمورین مذکور در ماده قبل درخواست دادورز(مأمور اجرا) را انجام ندهند دادورز(مأمور اجرا) صورت مجلسی در این خصوص تنظیم می کند تا توسط مدیر اجرا برای تعقیب به مرجع صلاحیتدار فرستاده شود.**

**ماده ۱۶- هرگاه نسبت به دادورز(مأمور اجرا) حین انجام وظیفه توهین یا مقاومت شود مأمور مزبور صورت مجلسی تنظیم نموده با امضاء شهود و مأمورین انتظامی ( در صورتیکه حضور داشته باشند) می رساند. این صورت مجلس توسط مدیر اجرا به دادسرای شهرستان فرستاده خواهد شد.**

**ماده ۱۷- کسانی که مانع دادورز(مأمور اجرا) از انجام وظیفه شوند علاوه بر مجازات مقرر در قوانین کیفری مسئول خسارت ناشی از عمل خود نیز می باشند.**

**ماده ۱۸- مدیران و دادورزها (مأمور اجرا) در موارد زیر نمی توانند قبول مأموریت نمایند:**

**۱- امر اجراء راجع به همسر آنها باشد.**

۲- امر اجرا راجع به اشخاصی باشد که مدیر و دادورز(مأمور اجرا) با آنان قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم دارد.

۳- مدیر یا دادورز(مأمور اجرا) قیم یا وصی یکی از طرفین یا کفیل امور او باشد.

۴- وقتی که امر اجرا راجع به کسانی باشد که بین آنان و مدیر یا دادورز(مأمور اجرا) یا همسر آنان دعوی مدنی یا کیفری مطرح است. در هریک از موارد مذکور در این ماده اجرای حکم از طرف رئیس دادگاه به مدیر یا دادورز(مأمور اجرا) دیگری محول می شود و اگر در آن حوزه مدیر یا مأمور دیگر نباشد. اجرای حکم بوسیله مدیر دفتر یا کارمند دیگر دادگاه یا حسب مورد مأموران شهربانی و ژاندارمری بعمل خواهد آمد.

### مبحث سوم - ترتیب اجراء

ماده ۱۹- اجرائیه که بوسیله قسمت اجراء دادگاهی که آنرا صادر کرده به موقع اجرا گذاشته می شود.

ماده ۲۰- هرگاه تمام یا قسمتی از عملیات اجرائی باید در حوزه دادگاه دیگر بعمل آید مدیر اجرا عملیات مزبور را به قسمت اجراء دادگاه آن حوزه محول می کند.

ماده ۲۱- مدیر اجراء برای اجرای حکم، پرونده ای تشکیل میدهد تا اجرائیه و تقاضاها و کلیه برگهای مربوط، به ترتیب در آن بایگانی شود.

ماده ۲۲- طرفین می توانند پرونده اجرائی را ملاحظه و از محتویات آن رونوشت یا فتوکپی به میزانه مقرر در قانون آئین دادرسی مدنی اتخاذ می شود

ماده ۲۳- پس از ابلاغ اجرائیه مدیر اجراء نام دادورز(مأمور اجرا) را در ذیل اجرائیه نوشته و عملیات اجرائی را بعهدده او محول می کند.

ماده ۲۴- دادورز(مأمور اجرا) بعد از شروع به اجرا نمی تواند اجرای حکم را تعطیل یا توقیف یا قطع نماید تا به تأخیر اندازد مگر به موجب قرار دادگاهی که دستور اجرای حکم را داده یا دادگاهی که صلاحیت دستور تأخیر اجرای حکم را دارد یا با ابراز رسید محکوم له دائر بوصول محکوم به یا رضایت کتبی او در تعطیل یا توقیف یا قطع یا تأخیر اجراء.

ماده ۲۵- هرگاه در جریان اجرای حکم اشکالی پیش آید دادگاهی که حکم تحت نظر آن اجرا می شود رفع اشکال می نماید.

ماده ۲۶- اختلافات ناشی از اجرای راجع به دادگاهی است که حکم توسط آن دادگاه اجرا می شود.

ماده ۲۷- اختلافات راجع به مفاد حکم همچنین اختلافات مربوط به اجرای احکام که از اجمال یا ابهام حکم یا محکوم به حادث شود در دادگاهی که حکم را صادر کرده رسیدگی می شود.

ماده ۲۸- رأی داوری که موضوع آن معین نیست قابل اجرا نمی باشد مرجع رفع اختلاف ناشی از اجرای رأی داوری دادگاهی است که اجرائیه صادر کرده است.

ماده ۲۹- در مورد حدوث اختلاف در مفاد حکم هر یکم از طرفین می تواند رفع اختلاف را از دادگاه بخواهد. دادگاه در وقت فوق العاده رسیدگی و رفع اختلاف می کند و در صورتی که محتاج رسیدگی بیشتر باشد رونوشت درخواست را به طرف مقابل ابلاغ نموده طرفین را در جلسه خارج از نوبت برای رسیدگی دعوت می کند ولی عدم حضور آنها باعث تأخیر رسیدگی نخواهد شد.

ماده ۳۰- درخواست رفع اختلاف موجب تأخیر اجرای حکم نخواهد شد مگر اینکه دادگاه قرار تأخیر اجرای حکم را صادر نماید.

ماده ۳۱- هرگاه محکوم علیه فوت یا محجور شود عملیات اجرائی حسب مورد تا زمان معرفی ورثه، ولی، وصی، قیم محجور یا امین و مدیر تر که متوقف می گردد و قسمت اجرا به محکوم له اخطار می کند تا اشخاص مذکور را با ذکر نشانی و مشخصات کامل معرفی نماید و اگر مالی توقیف نشده باشد دادورز(مأمور اجرا) می تواند به درخواست محکوم له معادل محکوم به از ترکه متوفی یا اموال محجور توقیف کند.

ماده ۳۲- حساب مواعد مطابق مقررات قانون آئین دادرسی مدنی است و مدتی که عملیات اجرائی توقیف می شود به حساب نخواهد آمد.

ماده ۳۳- هرگاه محکوم علیه بازرگان بوده و در جریان اجراء ورشکسته شود مراتب از طرف مدیر اجراء به اداره تصفیه یا مدیر تصفیه اعلام می شود تا طبق مقررات راجع به تصفیه امور ورشکستگی اقدام گردد.

ماده ۳۴- همین که اجرائیه به محکوم علیه ابلاغ شد محکوم علیه مکلف است ظرف ده روز مفاد آنرا به موقع اجرا بگذارد یا ترتیبی برای پرداخت محکوم به، بدهد یا مالی معرفی کند که اجرا حکم و استیفاء محکوم به از آن میسر باشد و در صورتیکه خود را قادر به اجرای مفاد اجرائیه نداند باید ظرف مهلت مزبور صورت جامع دارائی خود را به قسمت اجرا تسلیم کند و اگر مالی ندارد صریحاً اعلام نماید هرگاه ظرف سه سال بعد از انقضاء مهلت مذکور معلوم شد که محکوم علیه قادر به اجرای حکم و پرداخت محکوم به بوده لیکن برای فرار از آن اموال خود را معرفی نکرده یا صورت خلاف واقع از دارائی خود داده بنحوی که اجرای تمام یا قسمتی از مفاد اجرائیه متعسر گردیده باشد به حبس جنحه ای از شصت و یک روز تا ششماه محکوم خواهد شد. تبصره - شخص ثالث نیز می تواند بجای محکوم علیه برای استیفاء محکوم به، مالی معرفی کند.

ماده ۳۵- بدهکار که در مدت مذکور قادر به پرداخت بدهی خود نبوده ملکف است هر موقع که با تأدیه تمام یا قسمتی از بدهی خود متمکن گردد آنرا پردازد و هر بدهکاری که ظرف سه سال از تاریخ انقضای مهلت مقرر قادر به پرداخت تمام یا قسمتی از بدهی خود شده و تا یکماه از تاریخ امکان پرداخت آنرا پردازد و یا مالی به مسئول اجراء معرفی نکند به مجازات مقرر در ماده قبل محکوم خواهد شد.

تبصره ۱- محکوم له می تواند بعد از ابلاغ اجرائیه و قبل از انقضای مهلت مقرر در مواد قبل اموال محکوم علیه را برای تامین محکوم به، به قسمت اجراء معرفی کند و قسمت اجراء مکلف به قبول آنست. پس از انقضای مهلت مزبور نیز در صورتیکه محکوم علیه مالی معرفی نکرده باشد که اجرای حکم و استیفای محکوم به از آن میسر باشد محکوم له می تواند هر وقت مالی از محکوم علیه بدست آید استیفای محکوم به را از آن مال بخواهد.

تبصره ۲- تعقیب کیفری جرائم مندرج در مواد ۳۴ و ۳۵ منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت او تعقیب یا اجرای مجازات موقوف می گردد.

ماده ۳۶- در مواردی که مفاد اجرائیه از طریق انتشار آگهی به محکوم علیه ابلاغ می شود در صورتی که با اموال او دسترسی باشد بتقاضای محکوم له معادل محکوم به از اموال محکوم علیه توقیف می شود. ماده ۳۷- محکوم له می تواند طریق حکم را به دادورز (مامور اجراء) ارائه دهد و در حین عملیات اجرائی حاضر باشد ولی نمی تواند در اموری که از وظایف دادورز (مامور اجراء) است دخالت نماید. ماده ۳۸- دادورز (مامور اجراء) محکوم به را به محکوله تسلیم نموده برگ رسید می گیرد و هرگاه محکوم به نباید به مشارالیه داده شود یا دسترسی به محکوم له نباشد مراتب را جهت صدور دستور مقتضی به دادگاهی که اجرائیه صادر کرده است اعلام می کند.

ماده ۳۹- هرگاه حکمی که به موقع اجراء گذارده شده بر اثر فسخ یا نقض یا اعاده دادرسی به موجب حکم نهایی بلااثر شود عملیات اجرائی بدستور دادگاه اجراء کننده حکم به حالت قبل از اجراء بر می گردد و در صورتیکه محکوم به عین معین بوده و استرداد آن ممکن نباشد دادورز (مامور اجراء) مثل یا قیمت آنرا وصول می نماید. اعاده عملیات اجرائی بدستور دادگاه به ترتیبی که برای اجرای حکم مقرر است بدون صدور اجرائیه بعمل می آید

ماده ۴۰- محکوم له و محکوم علیه می توانند برای اجرای حکم قرار گذارده و مراتب را به قسمت اجراء اعلام دارند.

ماده ۴۱- هرگاه محکوم علیه طوعاً حکم دادگاه را اجراء ننماید دادورز (مامور اجراء) به ترتیب مقرر در این قانون اقدام به اجرای حکم می کند.

ماده ۴۲- هر گاه محکوم به عین معین منقول یا غیر منقول بوده و تسلیم آن به محکوم له ممکن باشد دادورز (مامور اجرا) عین آنرا گرفته و به محکوم له می دهد.

ماده ۴۳- در مواردی که حکم خلع ید علیه متصرف ملک مشاع به نفع مالک قسمتی از ملک مشاع صادر شده باشد از تمام ملک خلع ید می شود ولی تصرف محکوم له در ملک خلع ید شده مشمول مقررات املاک مشاعی است.

ماده ۴۴- اگر عین محکوم به در تصرف کسی غیر از محکوم علیه باشد این امر مانع اقدامات اجرائی نیست مگر اینکه متصرف مدعی حقی از عین یا منافع آن بوده و دلائلی هم ارائه نماید در این صورت دادورز (مامور اجرا) یک هفته به او مهلت می دهد تا به دادگاه صلاحیتدار مراجعه کند و در صورتیکه ظرف پانزده روز از تاریخ مهلت مذکور قراری دائر به تأخیر اجرای حکم به قسمت اجراء ارائه نگردد عملیات اجرائی ادامه خواهد یافت.

ماده ۴۵- هر گاه در محلی که باید خلع ید شود اموالی از محکوم علیه یا شخص دیگری باشد و صاحب مال از بردن آن خودداری کند و یا به او دسترسی نباشد دادورز (مامور اجرا) صورت تفصیلی اموال مذکور را تهیه و به ترتیب زیر عمل می کند:

۱- اسناد و اوراق بهادار و جواهر و وجه نقد به صندوق دادگستری یا یکی از بانکها سپرده می شود.  
۲- اموال ضایع شدنی و اشیائی که بهای آنها متناسب با هزینه نگهداری نباشد به فروش رسیده و حاصل فروش پس از کسر هزینه های مربوط به صندوق دادگستری سپرده می شود تا به صاحب آن مسترد گردد.

۳- در مورد سایر اموال دادورز (مامور اجرا) آنها را در همان محل یا محل مناسب محفوظ نگاه داشته و یا به حافظ سپرده و رسید دریافت می دارد.

ماده ۴۶- اگر محکوم به عین معین بوده و تلف شده یا به آن دسترسی نباشد قیمت آن با تراضی طرفین و در صورت عدم تراضی بوسیله دادگاه تعیین و طبق مقررات این قانون از محکوم علیه وصول می شود و هر گاه محکوم به قابل تقویم نباشد محکوم له می تواند دعوی خسارت اقامه نماید.

ماده ۴۷- هر گاه محکوم به، انجام عمل معینی باشد و محکوم علیه از انجام آن امتناع ورزد و انجام عمل به توسط شخص دیگری ممکن باشد محکوم له می تواند تحت نظر دادورز (مامور اجرا) عمل را به وسیله دیگری انجام دهد و هزینه آنرا مطالبه نماید. و یا بدون انجام عمل هزینه لازم را بوسیله قسمت اجراء از محکوم علیه مطالبه نماید در هر یک از موارد مذکور دادگاه با تحقیقات لازم و در صورت ضرورت با جلب نظر کارشناس میزان هزینه را معین می نماید. وصول هزینه مذکور و حق الزحمه

کارشناس از محکوم علیه به ترتیبی است که برای وصول محکوم به نقدی نقدی مقرر است.

تبصره - در صورتی که انجام عمل توسط شخص دیگری ممکن نباشد مطابق ماده ۷۲۹ آئین دادرسی مدنی انجام خواهد شد.

ماده ۴۸- در صورتی که در ملک مورد حکم خلع ید زراعت شده و تکلیف زرع در حکم معین نشده باشد به ترتیب زیر رفتار می شود:

اگر موقع برداشت محصول رسیده باشد محکوم علیه باید فوراً محصول را بردارد و الا دادورز (مامور اجرا) اقدام به برداشت محصول نموده و هزینه های مربوط را تا زمان تحویل محصول محکوم علیه وصول می نماید. هرگاه موقع برداشت محصول نرسیده باشد اعم از اینکه بذر روئیده باشد محکوم له مخیر است که بهای زراعت را بپردازد و ملک را تصرف کند یا ملک را تا زمان رسیدن محصول به تصرف محکوم علیه باقی بگذارد و اجرت المثل بگیرد. تشخیص بهای زراعت و اجرت المثل با دادگاه خواهد بود و نظر دادگاه در این مورد قطعی است.

## فصل دوم - توقیف اموال

### مبحث اول - مقررات عمومی

ماده ۴۹- در صورتیکه محکوم علیه در موعدی که برای اجرای حکم مقرر است مدلول حکم را طوعاً اجرا ننماید یا قراری با محکوم له برای اجرای حکم ندهد و مالی هم معرفی نکند یا مالی از او تأمین و توقیف نشده باشد محکوم له می تواند درخواست کند که ازاموال محکوم علیه معادل محکوم به توقیف گردد.

ماده ۵۰- دادورز (مامور اجرا) باید پس از درخواست توقیف بدون تأخیر اقدام به توقیف اموال محکوم علیه نماید و اگر اموال در حوزه دادگاه دیگری باشد توقیف آنرا از قسمت اجرای دادگاه مذکور بخواهد.

ماده ۵۱- از اموال محکوم علیه به میزانی توقیف می شود که معادل محکوم به و هزینه های اجرایی باشد ولی هرگاه مال معرفی شده ارزش بیشتری داشته و قابل تجزیه نباشد تمام آن توقیف خواهد شد در اینصورت اگر مال غیر منقول باشد مقدار مشاعی از آن که معادل محکوم به و هزینه های اجرایی باشد توقیف می گردد.

ماده ۵۲- اگر مالی از محکوم علیه تأمین و توقیف شده باشد استیفاء محکوم به از همان مال بعمل می آید مگر آنکه مال تأمین شده تکافوی محکوم به را نکند که در اینصورت معادل بقیه محکوم به از سایر اموال محکوم علیه توقیف می گردد.

ماده ۵۳- هر گاه مالی از محکوم علیه در قبال خواسته یا محکوم به توقیف شده باشد محکوم علیه می تواند یکبار تا قبل از شروع به عملیات راجع به فروش درخواست تبدیل مالی را که توقیف شده است به مال دیگری بنماید مشروط بر اینکه مالی که پیشنهاد می شود از حیث قیمت و سهولت فروش از مالی که قبلاً توقیف شده است کمتر نباشد. محکوم له نیز می تواند یکبار تا قبل از شروع به عملیات راجع به فروش درخواست تبدیل مال توقیف شده را بنماید. در صورتیکه محکوم علیه یا محکوم له به تصمیم قسمت اجرا معترض باشند می تواند به دادگاه صادر کننده اجرائیه مراجعه نمایند. تصمیم دادگاه در این مورد قطعی است.

ماده ۵۴- اگر مالی که توقیف آن تقاضا شده وثیقه دینی بوده یا در مقابل طلب دیگری توقیف شده باشد قسمت اجراء به درخواست محکوم له توقیف مازاد ارزش مال مزبور را حسب مورد به اداره ثبت یا مرجعی که قبلاً مال را توقیف کرده است اطلاع می دهد در اینصورت اگر مال دیگری بتقاضای محکوم له توقیف شد که تکافوی طلب او را بنماید از توقیف مازاد رفع اثر خواهد شد. در صورت فک وثیقه یا رفع توقیف اصل مال، توقیف مازاد خود بخود به توقیف اصل مال تبدیل می شود. در این مورد هر گاه محکوم علیه بعنوان عدم تناسب بهای مال با میزان بدهی معترض باشد به هزینه اول مال ارزیابی شده از مقدار زائد بر بدهی رفع توقیف خواهد شد.

ماده ۵۵- در مورد مالی که وثیقه بوده یا در مقابل مطالباتی توقیف شده باشد محکوم له می تواند تمام دیون و خسارات قانونی را با حقوق دولت حسب مورد در صندوق ثبت یا دادگستری تودیع نموده تقاضای توقیف مال و استیفای حقوق خود را از آن بنماید در اینصورت وثیقه و توقیفهای سابق فک و مال بابت طلب او و مجموع وجوه تودیع شده بلافاصله توقیف می شود.

ماده ۵۶- هر گونه نقل و انتقال اعم از قطعی و شرطی و رهنی نسبت به مال توقیف شده باطل و بلا اثر است.

ماده ۵۷- هر گونه قرارداد یا تعهدی که نسبت به مال توقیف شده بعد از توقیف به ضرر محکوم له منعقد شود نافذ نخواهد بود مگر اینکه محکوم له کتباً رضایت دهد.

ماده ۵۸- در صورتیکه محکوم علیه، محکوم به و خسارات قانونی را تأدیه نماید قسمت اجرا از مال توقیف شده رفع توقیف خواهد کرد.

ماده ۵۹- محکوم علیه می تواند با نظارت دادورز (مأمور اجرا) مال توقیف شده را بفروشد مشروط بر اینکه حاصل فروش به تنهایی برای پرداخت محکوم به و هزینه های اجرائی کافی باشد و اگر مال در مقابل قسمتی از محکوم به توقیف شده حاصل فروش نباید از مبلغی که در قبال آن توقیف بعمل آمده کمتر باشد.



ماده ۶۰- عدم حضور محکوم له و محکوم علیه مانع از توقیف مال نمی شود ولی توقیف مال به طرفین اعلام خواهد شد.

### مبحث دوم در توقیف اموال منقول

ماده ۶۱- مال منقولی که در تصرف کسی غیر از محکوم علیه باشد و متصرف نسبت به آن ادعای مالکیت کند یا آن را متعلق به دیگری معرفی نماید بعنوان مال محکوم علیه توقیف نخواهد شد. در صورتیکه خلاف ادعای متصرف ثابت شود مسئول جبران خسارت محکوم له خواهد بود.

ماده ۶۲- اموال منقولی که خارج از محل سکونت یا محل کار محکوم علیه باشد در صورتی توقیف می شود که دلائل و قرائن کافی بر احراز مالکیت او در دست باشد.

ماده ۶۳- از اموال منقول موجود در محل سکونت زوجین آنچه معمولاً و عادتاً مورد استفاده اختصاصی زن باشد متعلق به زن و آنچه مورد استفاده اختصاصی مرد باشد متعلق به شوهر و بقیه از نظر مقررات این قانون مشترک بین آنان محسوب می شود مگر اینکه خلاف آن ثابت گردد.

ماده ۶۴- اگر مال معرفی شده در جائی باشد که در آن بسته باشد و از باز کردن آن خودداری نمایند دادورز (مأمور اجرا) با حضور مأمور شهربانی یا ژاندارمری یا دهبان محل اقدام لازم برای باز کردن در و توقیف مال معمول می دارد و در مورد باز کردن محلی که کسی در آن نیست حسب مورد نماینده دادستان یا دادگاه بخش مستقل نیز باید حضور داشته باشد.

ماده ۶۵- اموال زیر برای اجرای حکم توقیف نمی شود:

۱- لباس و اشیاء و اسبابی که برای رفع حوائج ضروری محکوم علیه و خانواده او لازم است.

۲- آذوقه موجود بقدر احتیاج یک ماهه محکوم علیه و اشخاص واجب النفع او.

۳- وسائل و ابزار کار ساده کسبه و پیشه وران و کشاورزان.

۴- اموال و اشیایی که به موجب قوانین مخصوص غیر قابل توقیف می باشند.

تبصره - تصنیفات و تألیفات و ترجمه هایی که هنوز به چاپ نرسیده بدون رضایت مصنف و مؤلف و مترجم و در صورت فوت آنها بدون رضایت ورثه یا قائم مقام آنان توقیف نمی شود.

ماده ۶۶- اموال ضایع شدنی بلافاصله و اموالی که ادامه توقیف آن مستلزم هزینه نامتناسب یا کسر فاحش قیمت است فوراً ارزیابی و با تصویب دادگاه بدون رعایت تشریفات راجع به توقیف و مزایده بفروش می رسد لیکن قبل از فروش باید صورتی از اموال مزبور برداشته شود.

### مبحث سوم صورت برداری اموال منقول

ماده ۶۷- دادورز (مأمور اجرا) باید قبل از توقیف اموال منقول، صورتی که مشتمل بر وصف کامل اموال از قبیل نوع - عدد - وزن - اندازه و غیره که باتمام حروف و اعداد باشد تنظیم نماید، در مورد طلا و

نقره عیار آنها (هرگاه عیار آنها معین باشد) و درجواهرات اسامی و مشخصات آنها و در کتاب، نام کتاب و مؤلف و مترجم و خطی یا چاپی بودن آن با ذکر تاریخ تحریر یا چاپ و در تصویر و پرده نقاشی خصوصیات و اسم نقاش (اگر معلوم باشد) و در مصنوعات ساخت و مدل و در مورد فرش بافت و رنگ و در مورد سهام و اوراق بهادار نوع و تعداد و مبلغ اسمی آن و بطور کلی در هر مورد مشخصات و خصوصیتی که معرف کامل باشد نوشته می شود.

ماده ۶۸- تراشیدن و پاک کردن و الحاق و نوشتن بین سطرها در صورت اموال ممنوع است و اگر سهو و اشتباهی رخ داد باشد دادورز (مأمور اجرا) در ذیل صورت آنرا را تصحیح و بامضاء حاضران می رساند.

ماده ۶۹- هرگاه اشخاص ثالث نسبت به اموالی که توقیف می شود اظهار حقی نمایند دادورز (مأمور اجرا) مشخصات اظهار کننده و خلاصه اظهارات او را قید می کند.

ماده ۷۰- هرگاه محکوم له و محکوم علیه یا نماینده قانونی آنها حاضر بوده و راجع به تنظیم صورت ایراد و اظهاری نمایند دادورز (مأمور اجرا) ایراد و اظهارات آنان را با جهات رد یا قبول در آخر صورت قید می کند. طرفین اگر حاضر باشند ظرف یک هفته از تاریخ تنظیم صورت حق شکایت خواهند داشت و الا صورت اموال از طرف قسمت اجرا بطرف غایب ابلاغ می شود و طرف غایب حق دارد ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ شکایت نماید.

ماده ۷۱- در صورت اموال باید تاریخ و ساعت شروع و ختم عمل نوشته شود و بامضاء داورز (مأمور اجرا) و حاضران برسد هرگاه محکوم له و محکوم علیه یا نماینده قانونی آنها از امضاء ذیل صورت اموال امتناع نمایند مراتب در صورت قید می شود.

ماده ۷۲- دادورز (مأمور اجرا) به تقاضای محکوم له یا محکوم علیه رونوشت گواهی شده از صورت اموال را به آنها خواهد داد.

### مبحث چهارم - ارزیابی اموال منقول

ماده ۷۳- ارزیابی اموال منقول حین توقیف بعمل می آید و در صورت اموال درج می شود قیمت اموال را محکوم له و محکوم علیه بتراضی تعیین می نمایند و هرگاه طرفین حین توقیف حاضر نباشند یا حاضر بوده و در تعیین قیمت تراضی ننمایند ارزیاب معین می شود.

ماده ۷۴- ارزیاب به تراضی طرفین معین می شود. در صورت عدم تراضی یا عدم حضور محکوم علیه دادورز (مأمور اجرا) از بین کارشناسان رسمی و در صورت نبودن کارشناس رسمی از بین اشخاص معتمد و خبره ارزیاب معین می کند و هرگاه در حین توقیف به ارزیاب دسترسی نباشد قیمتی که محکوم له تعیین کرده برای توقیف مال، ملاک عمل خواهد بود. در این صورت دادورز (مأمور اجرا) بقید فوریت نسبت به تعیین ارزیاب و تقویم مال اقدام خواهد کرد.

ماده ۷۵- قسمت اجرا ارزیابی را بلافاصله به طرفین ابلاغ می نماید. هر یک از طرفین میتواند ظرف سه روز از تاریخ ابلاغ ارزیابی به نظریه ارزیاب اعتراض نماید این اعتراض در دادگاهی که حکم بوسیله آن اجرا می شود مورد رسیدگی قرار می گیرد و در صورت ضرورت با تجدید ارزیابی قیمت مال معین می شود، تشخیص دادگاه در این مورد قطعی است.

ماده ۷۶- حق الزحمه ارزیاب با در نظر گرفتن کمیت و کیفیت ارزش کار بوسیله دادورز(مأمور اجرا) معین می گردد و پرداخت آن بعهده محکوم علیه است. هرگاه نسبت به میزان حق الزحمه اعتراضی باشد دادگاه در این مورد تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد کرد هرگاه محکوم علیه از پرداخت حق الزحمه ارزیاب امتناع نماید محکوم له می تواند آنرا بپردازد در اینصورت دادورز(مأمور اجرا) وجه مزبور را ضمن اجرای حکم از محکوم علیه وصول و به محکوم له خواهد داد پرداخت حق الزحمه در مورد ماده قبل بعهده معترض است و اگر ظرف سه روز از تاریخ ابلاغ اخطار بپردازد به اعتراض او ترتیب اثر داده نخواهد شد.

#### مبحث پنجم- حفظ اموال منقول توقیف شده

ماده ۷۷- اموال توقیف شده در همان جا که هست حفظ می شود مگر اینکه نقل اموال به محل دیگری ضرورت داشته باشد.

ماده ۷۸- اموال توقیف شده برای حفاظت به شخص مسئولی سپرده می شود حافظ با توافق طرفین تعیین می گردد و در صورتی که طرفین حین توقیف حاضر نباشند و یا در انتخاب حافظ تراضی نمایند دادورز(مأمور اجرا) شخص قابل اعتمادی را معین می کند اوراق بهادار و جواهر و امثال آنها در صورت اقتضا در یکی از بانکها به امانت گذاشته می شود.

ماده ۷۹- اموال توقیف شده بدون تراضی کتبی طرفین باشخاص ذیل سپرده نمی شود.

۱- اقربای نسب و سببی دادورز(مأمور اجرا) تا درجه سوم

۲- محکوم له و محکوم علیه و همسر آنان و کسانی که به طرفین قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم دارند.

ماده ۸۰- اموال توقیف شده و رونوشت صورت اموال به شخصی که مسئولیت حفظ را بعهده گرفته تحویل و رسید اخذ می گردد.

ماده ۸۱- شخص حافظ می تواند اجرت بخواهد و هرگاه در میزان اجرت تراضی نشود مدیر اجراء با توجه به کمیت و کیفیت مال و مدت حفاظت میزان آن را تعیین می نماید.

ماده ۸۲- اجرت حافظ را اگر محکوم علیه تأدیه نکند محکوم له می پردازد و از حاصل فروش اشیاء توقیف شده استیفاء می نماید در صورت مطالبه اجرت از طرف حافظ و عدم تأدیه آن مدیر اجراء به محکوم له اخطار می کند که ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اخطار اجرت حافظ را پردازد.

ماده ۸۳- حافظ نسبت به اموال توقیف شده امین است و حق ندارد اموال توقیف شده را مورد استفاده قرار داده و یا به کسی بدهد و بطور کلی هرگاه حافظ مرتکب تعدی یا تفریط گردد مسئول پرداخت خسارت و راده بوده و حق مطالبه اجرت هم نخواهد داشت.

ماده ۸۴- هرگاه اموال توقیف شده منافی داشته باشد حافظ باید حساب آنرا بدهد.

ماده ۸۵- در صورتیکه حافظ از تسلیم اموال توقیف شده امتناع کند از تاریخ امتناع ضامن محسوب است و دادورز (مأمور اجرا) معادل ارزش مال توقیف شده را از اموال حافظ استیفاء می نماید.

ماده ۸۶- هرگاه نخواهد یا نتواند اموال توقیف شده را نگاهداری کند و یا اوضاع و احوال تغییر او را ایجاد نماید دادورز (مأمور اجرا) پس از تصویب دادگاه حافظ دیگری معین خواهد کرد.

### مبحث ششم - توقیف اموال منقول

#### محکوم علیه که نزد شخص ثالث است

ماده ۸۷- هرگاه مال متعلق به محکوم علیه نزد شخص ثالث اعم از حقوقی یا حقیقی باشد یا مورد درخواست توقیف، طلبی باشد که محکوم علیه از شخص ثالث دارد اخطاری در باب توقیف مال یا طلب و میزان آن به پیوست رونوشت اجرائیه به شخص ثالث ابلاغ و رسید دریافت می شود و مراتب فوراً به محکوم علیه نیز ابلاغ می گردد. ماده ۸۸- شخص ثالث پس از ابلاغ اخطار توقیف نیاید مال یا طلب توقیف شده را به محکوم علیه بدهد و مکلف است طبق دستور مدیر اجرا عمل نماید، در صورت تخلف مسئول جبران خسارت و راده به محکوم له خواهد بود.

ماده ۸۹- هرگاه مالی که نزد شخص ثالث توقیف شده عین معین یا وجه آنرا به دادورز (مأمور اجرا) بدهد و رسید دریافت دارد این رسید به منزله تأدیه یا دین یا تحویل عین معین از طرف شخص ثالث به محکوم علیه خواهد بود.

ماده ۹۰- در موردی که شخص ثالث دین خود را به اقساط یا اجور و عوایدی را بتدریج به محکوم علیه می پردازد و محکوم له تقاضای استیفاء محکوم به را از آن بنماید دادورز (مأمور اجرا) به شخص ثالث اخطار می کند که اقساط یا عواید و اجور مقرر را به قسمت اجرا تسلیم نماید.

ماده ۹۱- هرگاه شخص ثالث منکر وجود تمام یا قسمتی از مال یا طلب یا اجور و عواید محکوم علیه نزد خود باشد باید ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه مراتب را به قسمت اجرا اطلاع دهد.

ماده ۹۲- هرگاه شخص ثالث به تکلیف مقرر در ماده قبل عمل نکند و یا برخلاف واقع منکر وجود تمام یا قسمتی از مال یا طلب یا اجر و عوائد محکوم علیه نزد خود گردد و یا اطلاعاتی که داده موافق با واقع نباشد و موجب خسارت شود محکوم له می تواند برای جبران خسارت به دادگاه صلاحیتدار مراجعه نماید.

ماده ۹۳- اگر شخص ثالث از تسلیم عین مال توقیف شده امتناع نماید و دادورز (مأمور اجرا) به آن مال دسترسی پیدا نکند معادل قیمت آن از دارایی او برای استیفاء محکوم به توقیف خواهد شد در صورتیکه شخص ثالث مدعی باشد که مال قبل از مطالبه قسمت اجرا بدون تعدی و تفریط از بین رفته می تواند به دادگاه دادخواست دهد و در صورتیکه دلائل او را موجه تشخیص دهد قراری در باب توقیف عملیات اجرائی تا تعیین تکلیف نهائی صادر می کند.

ماده ۹۴- هرگاه شخص ثالث از تأدیه وجه نقد یا طلب حال که نزد او توقیف شده امتناع نماید به میزان وجه مزبور از دارایی او توقیف خواهد شد  
ماده ۹۵- شخص ثالثی که مال محکوم علیه نزد او توقیف شده می تواند مال مزبور را هر وقت بخواهد به قسمت اجرا تسلیم کند و قسمت اجرا باید آنرا قبول نماید.

#### مبحث هفتم- توقیف حقوق مستخدمین

ماده ۹۶- از حقوق و مزایای کارکنان سازمانها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و شرکتهای دولتی و شهرداری ها و بانکها و شرکتهای و بنگاههای خصوصی و نظائر آن در صورتیکه دارای زن یا فرزند باشند ربع و الاثلث توقیف می شود.

تبصره ۱- توقیف و کسر یک چهارم حقوق بازنشستگی یا وظیفه افراد موضوع این ماده جایز است مشروط براینکه دین مربوط به شخص بازنشسته یا وظیفه بگیر باشد.

تبصره ۲- حقوق و مزایای نظامیانی که در جنگ هستند و مستمری مددجویان کمیته امداد امام خمینی(ره) و سازمان بهزیستی توقیف نمی شود. (اصلاحی ۱۳۹۴)

ماده ۹۷- در مورد ماده فوق مدیر اجرا مراتب را به سازمان مربوط ابلاغ می نماید و رئیس یا مدیر سازمان ملکف است از حقوق و مزایای محکوم علیه کسر نموده و به قسمت اجرا بفرستد.

ماده ۹۸- توقیف حقوق و مزایای استخدامی مانع از این نیست که اگر مالی از محکوم علیه معرفی شود برای استیفاء محکوم به توقیف نگردد ولی اگر مال معرفی شده برای استیفاء محکوم به کافی باشد توقیف حقوق و مزایای استخدامی محکوم علیه متوقف می شود.

#### مبحث هشتم - توقیف اموال غیر منقول

ماده ۹۹- قسمت اجرا توقیف مال غیر منقول را با ذکر شماره پلاک و مشخصات ملک به طرفین و اداره ثبت محل اعلام می کند.

ماده ۱۰۰- اداره ثبت پس از اعلام توقیف در صورتیکه ملک بنام محکوم علیه ثبت شده باشد مراتب را در دفتر املاک و اگر ملک در جریان ثبت باشد در دفتر املاک بازداشتی و پرونده ثبتی قید نموده به قسمت اجرا اطلاع می‌دهد و اگر ملک بنام محکوم علیه نباشد فوراً به قسمت اجرا اعلام می‌دارد.

ماده ۱۰۱- توقیف مال غیر منقولی که سابقه ثبت ندارد بعنوان مال محکوم علیه وقتی جائز است که محکوم علیه در آن تصرف مالکانه داشته باشد و یا محکوم علیه بموجب حکم نهائی مالک شناخته شده باشد.

ماده ۱۰۲- در صورتیکه عوائد یکساله مال غیر منقول به تشخیص دادگاه برای اداء محکوم به و هزینه اجرائی کافی باشد محکوم علیه حاضر شود که از عوائد آن ملک محکوم به داده شود عین ملک توقیف نمی‌شود و فقط عوائد توقیف و محکوم به از آن وصول می‌گردد، در اینصورت اجراء مکلف است مراتب را به ثبت محل اعلام نماید.

ماده ۱۰۳- توقیف مال غیر منقول موجب توقیف منافع آن نمی‌گردد.

ماده ۱۰۴- توقیف محصول املاک و باغات با رعایت مقررات مواد ۲۵۴ تا ۲۵۷ قانون آئین دادرسی مدنی بعمل می‌آید.

مبحث نهم - صورت برداری اموال غیر منقول

ماده ۱۰۵- دادورز (مأمور اجرا) پس از توقیف اموال غیر منقول صورت اموال را تنظیم و نسخه ای از آن را به محکوم علیه ابلاغ می‌نماید تا اگر شکایتی داشته باشد ظرف یک هفته کتباً به قسمت اجرا تسلیم دارد. مدیر اجرا به شکایات مزبور رسیدگی و در صورتیکه شکایت وارد باشد صورت مشخصات مال توقیف شده را اصلاح یا تجدید می‌نماید.

ماده ۱۰۶- مراتب زیر باید در صورت اموال غیر منقول قید شود:

۱- تاریخ و مفاد ورقه اجرائیه.

۲- محلی که مال غیر منقول در آنجا واقع است.

۳- وصف مال غیر منقول با ذکر مشخصات ملک و مالک و اینکه ملک مشاع است یا مفروز و اشخاص دیگر نسبت به آن حقی دارند یا نه و اگر حقی دارند چه نوع حقی است و منافع ملک به کسی واگذار شده است یا خیر؟

۴- حدود ملک و مجاورین آن.

ماده ۱۰۷- در صورتیکه مساحت ملک معین نباشد دادورز (مأمورین اجرا) مساحت تقریبی آنرا در صورت قید می‌کنند.

ماده ۱۰۸- محکوم علیه حین تنظیم صورت باید اسناد راجع به ملک یا مال غیر منقول را به دادورز (مأمور اجرا) ارائه می دهد.

ماده ۱۰۹- هرگاه راجع به تمامی یا قسمتی از ملک توقیف شده دعوائی در جریان باشد مراتب در صورت قید و تصریح می شود که دعوی در چه مرجعی مورد رسیدگی است.

### **مبحث دهم - ارزیابی و حفظ اموال غیر منقول**

ماده ۱۱۰- ارزیابی اموال غیر منقول به ترتیب مقرر در مواد ۷۳ تا ۷۶ این قانون بعمل خواهد آمد.  
ماده ۱۱۱- مال غیر منقول بعد از تنظیم صورت و ارزیابی حسب مورد موقتاً به مالک یا متصرف ملک تحویل می شود و مشارالیه ملکف است ملک را همانطوریکه طبق صورت تحویل گرفته تحویل دهد.  
ماده ۱۱۲- در صورتیکه عوائد موجود مال غیر منقول توقیف شود به امینی که طرفین معین کرده اند سپرده می شود و در صورت عدم تراضی به شخص امینی که دادورز (مأمور اجرا) معین می کند سپرده خواهد شد ولی اگر عوائد وجه نقد باشد به قسمت اجرا تسلیم می گردد.

### **فصل سوم - فروش اموال توقیف شده**

#### **مبحث اول - فروش اموال منقول**

ماده ۱۱۳- بعد از تنظیم صورت مال منقول و ارزیابی آن در صورتیکه نسبت به محل و موعد فروش بین محکوم له و محکوم علیه تراضی شده باشد به همان ترتیب رفتار می شود و هرگاه بین طرفین تراضی نشده باشد دادورز (مأمور اجرا) مطابق مواد بعد اقدام می کند.

#### **ماده ۱۱۴- فروش اموال از طریق مزایده به عمل می آید.**

ماده ۱۱۵- اگر از طرف دولت یا شهرداری، محلی برای فروش اموال منقول معین شده باشد فروش در آن محل بعمل می آید و اگر محلهایی که معین شده است متعدد باشد فروش در محلی بعمل می آید که برای منافع محکوم علیه ترجیح داده باشد و تشخیص این امر با مدیر اجرا است. هرگاه از طرف دولت یا شهرداری محلی برای فروش معین نشده باشد محل فروش را مدیر اجراء معین می کند.

ماده ۱۱۶- در مواردی که حمل اموال منقول به محل دیگر مخارج زیادی داشته باشد اشیاء توقیف شده در محلی که حفظ می شده به فروش می رسد.

ماده ۱۱۷- موعد فروش را مدیر اجرا نظر به کمیت و کیفیت اموال توقیف شده معین و آگهی می نماید.

ماده ۱۱۸- آگهی فروش باید در یکی از روزنامه های محلی یکی نوبت منتشر شود.

ماده ۱۱۹- موعد فروش باید طوری معین شود که فاصله بین انتشار آگهی و روز فروش بیش از یکماه و کمتر از ده روز نباشد.

ماده ۱۲۰- در نقاطی که روزنامه نباشد همچنین در مورد اموالی که قیمت آنها بیش از دویست هزار ریال نباشد آگهی بجای انتشار در روزنامه به تعداد کافی در معابر الصاق و تاریخ الصاق در صورت مجلس قید می شود.

ماده ۱۲۱- محکوم له یا محکوم علیه می توانند علاوه بر آگهی که به توسط قسمت اجرا بعمل می آید آگهی دیگری به خرج خود منتشر نمایند.

ماده ۱۲۲- در آگهی فروش مال منقول نکات ذیل تصریح می شود:

۱- نوع و مشخصات اموال توقیف شده.

۲- روز و ساعت و محل فروش

۳- قیمتی که مزایده از آن شروع می شود

ماده ۱۲۳- آگهی باید علاوه بر انتشار در قسمت اجرا و محل فروش هم الصاق شود

ماده ۱۲۴- در صورتیکه تغییر روز فروش ضرورت پیدا کند مجدداً آگهی خواهد شد.

**ماده ۱۲۵- فروش با حضور دادورز( مأمور اجرا) و نماینده دادسرا بعمل می آید و صورت مجلس فروش به امضاء آنها می رساند**

ماده ۱۲۶- هرکس می تواند در مدت پنج روز قبل از روزی که برای فروش معین شده است اموالی را که آگهی شده ملاحظه نماید.

**ماده ۱۲۷- محکوم له می تواند مثل سایرین در خرید شرکت نماید ولی ارزیابان و دادورزها ( مأمورین اجرا) و سایر اشخاصی که مباشر امر فروش هستند اقرباء نسبی و سببی آنان تا درجه سوم نمی توانند در خرید شرکت کنند.**

ماده ۱۲۸- مزایده از قیمتی که به ترتیب مقرر در مواد ۷۳ تا ۷۵ معین شده شروع می شود و مال متعلق به کسی است که بالاترین قیمت را قبول کرده است.

**ماده ۱۲۹- دادورز( مأمور اجرا) می تواند پرداخت بهای اموال را به وعده قرار دهد. در اینصورت برنده مزایده باید ده درصد بها را فی المجلس بعنوان سپرده به قسمت اجرا تسلیم نماید. حداکثر مهلت مزبور از یکماه تجاوز نخواهد کرد و در صورتیکه برنده مزایده در موعد مقرر بقیه بهای اموال را نپردازد سپرده او پس از کسر هزینه مزایده به نفع دولت ضبط و مزایده تجدید می گردد.**

ماده ۱۳۰- صاحب مال موافقت تقاضا کند که بعضی از اموال او را مقدم یا مؤخر بفروشند و یا اینکه خود او بالاترین قیمت پیشنهادی را نقداً پرداخت و از فروش آن جلوگیری نماید.

**ماده ۱۳۱- هرگاه مالی که مزایده از آن شروع می شود خریدار نداشته باشد محکوم له می تواند مال دیگری از محکوم علیه معرفی و تقاضای توقیف مزایده آنرا بنماید یا معال طلب خود را از اموال مورد مزایده به قیمتی که ارزیابی شده قبول کند یا**



تقاضای تجدید مزایده مال توقیف شده را بنماید و در صورت اخیر مال مورد مزایده به هر میزانی که خریداری پیدا کند به فروش خواهد رفت و هزینه آگهی مجدد بعهد محکوم له می باشد و هرگاه طلبکاران متعدد باشند رأی اکثریت آنها از حیث طلب برای تجدید آگهی مزایده مناط اعتبار است

ماده ۱۳۲- هرگاه در دفعه دوم هر خریداری نباشد و محکوم له نیز مال مورد مزایده را به قیمتی که ارزیابی شده قبول ننماید آن مال نیز محکوم علیه مسترد خواهد شد  
ماده ۱۳۳- تاریخ فروش و خصوصیات مال مورد فروش و بالاترین قیمتی که پیشنهاد شده و اسم و مشخصات خریدار در صورت مجلس نوشته شده و به امضاء خریدار می رسد.  
ماده ۱۳۴- تسلیم مال فقط بعد از پرداخت تمام بهای آن صورت خواهد گرفت.  
ماده ۱۳۵- اگر فروش قسمتی از اموال توقیف شده برای پرداخت محکوم به و هزینه های اجرائی کافی باشد بقیه اموال فروخته نمی شود و به صاحب آن مسترد می گردد.

ماده ۱۳۶- در موارد زیر فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید می شود:  
۱- هرگاه فروش در غیر روز و ساعت معین یا در غیر محلی که به موجب آگهی تعیین گردیده بعمل آید.

۲- هرگاه کسی را بدون جهت قانونی مانع از خرید شوند و یا بالاترین قیمتی را که خواسته است رد نمایند.

۳- در صورتیکه مزایده بدون حضور نماینده دادسرا باشد.

۴- در صورتیکه خریدار طبق ماده ۱۲۷ ممنوع از خرید بوده باشد.

شکایت راجع به تخلف از مقررات مزایده در موارد مذکور ظرف یک هفته از تاریخ فروش به دادگاه داده می شود و قبل از انقضای مهلت مذکور یا قبل از اتخاذ تصمیم دادگاه ( در صورت وصول شکایت) مال به خریدار تسلیم نخواهد شد.

### مبحث دوم - فروش اموال غیر منقول

ماده ۱۳۷- ترتیب فروش اموال غیر منقول باستثنای مواردی که در این محبث معین گردیده مانند فروش اموال منقول است.

ماده ۱۳۸- در آگهی فروش باید نکات ذیل تصریح شود که

۱- نام و نام خانودگی صاحب ملک.

۲- محل وقوع ملک و توصیف اجمالی آن و تعیین اینکه ملک محل سکونت یا کسب و پیشه و یا تجارت یا زراعت و غیره است.

۳- تعیین اینکه ملک ثبت شده است یا نه.

۴- تعیین اینکه ملک در اجاره است یا نه و اگر در اجاره است مدت و میزان اجاره.

۵- تصریح به اینکه ملک مشاع است یا مفروز و چه مقدار از آن فروخته می شود.

۶- تعیین حقوقی که اشخاص نسبت به آن ملک تحت هر عنوان دارند.

۷- قیمتی که مزایده از آن شروع می شود.

۸- ساعت و روز و محل مزایده.

ماده ۱۳۹- آگهی فروش به ترتیب مقرر در مجبث قبل منشر خواهد شد. آگهی مزبور در محل ملک نیز الصاق می گردد.

**ماده ۱۴۰- هرگاه ملک مشاع باشد فقط سهم محکوم علیه به فروش می رسد مگر اینکه سایر شرکاء فروش تمام ملک را بخواهند در اینصورت طلب محکوم له و هزینه های اجرائی از حصه محکوم علیه پرداخت می شود.**

ماده ۱۴۱- پس از انجام مزایده صورت مجلس تنظیم و در آن نام و نام خانوادگی مالک و خریدار و خصوصیات ملک و قیمتی که به فروش رسیده نوشته می شود و به ضمیمه پرونده اجرائی به دادگاهی که قسمت اجرای آن دادگاه اقدام به فروش کرده است تسلیم می گردد

ماده ۱۴۲- شکایت راجع به تنظیم صورت ملک و ارزیابی آن و تخلف از مقررات مزایده و سایر اقدامات دادورز (مأمور اجرا) ظرف یک هفته از تاریخ وقوع به دادگاهی که دادورز (مأمور اجرا) در آنجا مأموریت دارد داده می شود دادگاه در وقت فوق العاده به موضوع شکایت رسیدگی و در صورتی که شکایت را وارد و مؤثر دانست اقدامی را که بر خلاف مقررات شده است ابطال و دستور مقتضی صادر خواهد نمود قبل از اینکه دادگاه و در مورد شکایت اظهار نظر نماید سند انتقال داده نمی شود.

ماده ۱۴۳- دادگاه در صورت احراز صحت جریان مزایده دستور صدور سند انتقال را بنام خریدار می دهد و این دستور قطعی است

ماده ۱۴۴- در مواردی که ملک خریدار نداشته و محکوم له آنرا در مقابل طلب خود قبول نماید مالک ظرف دو ماه از تاریخ انجام مزایده می تواند کلیه بدهی و خسارات و هزینه های اجرائی را پرداخته و مانع انتقال ملک به محکوم له شود دادگاه بعد از انقضای مهلت مزبور دستور انتقال تمام یا قسمتی از ملک را که معادل طلب محکوم له باشد خواهد داد.

ماده ۱۴۵- هرگاه مالک حاضر به امضاء سند انتقال به نام خریدار نشود نماینده دادگاه سند انتقال سند را در دفترخانه اسناد رسمی بنام خریدار امضاء می نماید.

### **فصل پنجم - اعتراض شخص ثالث**

**ماده ۱۴۶- هرگاه نسبت به مال منقول یا غیر منقول یا وجه نقد توقیف شده شخص ثالث اظهار حقی نماید اگر ادعای مزبور مستند به حکم قطعی یا سند رسمی باشد که تاریخ آن مقدم بر تاریخ توقیف است، توقیف رفع می شود در غیر اینصورت عملیات**

اجرائی تعقیب می گردد و مدعی حق برای جلوگیری از عملیات اجرائی و اثبات ادعای خود می تواند به دادگاه شکایت کند.

ماده ۱۴۷- شکایت شخص ثالث در تمام مراحل بدون رعایت تشریفات آئین دادرسی مدنی و پرداخت هزینه دادرسی رسیدگی می شود. مفاد شکایت به طرفین ابلاغ می شود و دادگاه به دلائل شخص ثالث و طرفین دعوی بهر نحو در هر محل که لازم بداند رسیدگی می کند و در صورتیکه دلائل شکایت را قوی یافت قرار توقیف عملیات اجرائی را تا تعیین تکلیف نهائی شکایت صادر می نماید. در اینصورت اگر مال مورد اعتراض منقول باشد دادگاه می تواند با اخذ تأمین مقتضی دستور رفع توقیف تحویل مال را به معترض بدهد. به شکایت شخص ثالث بعد از فروش اموال توقیف شده نیز به ترتیب فوق رسیدگی خواهد شد.

تبصره - محکوم له می تواند مال دیگری را از اموال محکوم علیه بجای مال مورد اعتراض معرفی نماید. در اینصورت آن مال توقیف و از مال مورد اعتراض رفع توقیف می شود و رسیدگی به شکایت شخص ثالث نیز موقوف می گردد.

#### فصل ششم - حق تقدم

ماده ۱۴۸- در هر مورد که اجرائیه متعدد به قسمت اجراء رسیده باشد، دادورز (مأمور اجرا) باید حق تقدم هریک از محکوم لهم را به ترتیب زیر رعایت نماید:

۱- اگر مال منقول یا غیر منقول محکوم علیه نزد محکوم له رهن یا وثیقه یا مورد معامله شرطی و امثال آن یا در توقیف تأمینی یا اجرائی باشد محکوم له نسبت به مال مزبور به میزان محکوم به بر سایر محکوم لهم حق تقدم خواهد داشت.

۲- خدمه خانه و کارگر و مستخدم محل کار محکوم علیه نسبت به حقوق و دستمزد شش ماه خود.

۳- نفقه زن و هزینه نگهداری اولاد صغیر محکوم علیه برای مدت شش ماه مهریه تامیزان دوپست هزار ریال.

۴- بستانکاران طبقات مذکور در بندهای دوم و سوم نسبت به بقیه طلب خود و سایر بستانکاران.

ماده ۱۴۹- پس از اینکه بستانکاران به ترتیب هر طبقه طلب خود را از اموال محکوم علیه وصول نمودند اگر چیزی زائد از طلب آنها باقی بماند به طبقه بعدی داده می شود و در هریک از طبقات دوم تا چهارم اگر بستانکاران متعدد باشند مال محکوم علیه به نسبت طلب بین آنها تقسیم می گردد.

#### فصل هفتم - تأدیه طلب

ماده ۱۵۰- وجوهی که در نتیجه فروش مال توقیف شده یا بطریق دیگر از محکوم علیه وصول می شود به میزان محکوم به و هزینه های اجرائی به محکوم له داده خواهد شد و اگر زائد باشد بقیه به محکوم علیه مسترد می شود.

ماده ۱۵۱- در صورتیکه وجوه حاصل کمتر از میزان محکوم به و هزینه های اجرائی باشد به درخواست محکوم له برای وصول بقیه طلب او از سایر اموال محکوم علیه توقیف می شود.

ماده ۱۵۲- در مقابل وجهی که به محکوم له داده می شود دو نسخه رسید اخذ می گردد یک نسخه از آن به محکوم علیه تسلیم و نسخه دیگر در پرونده اجرائی بایگانی می گردد.

ماده ۱۵۳- در موردی که محکوم له بیش از یک نفر باشد و دارائی دیگری برای محکوم علیه غیر از مال توقیف شده معلوم نشود و هیچ یک از طلبکاران بر دیگری حق تقدم نداشته باشند از وجه وصول شده معادل هزینه اجرائی به کسی که آن را پرداخته است داده می شود و بقیه بین طبکارانی که تا آن تاریخ اجرائیه صادر و درخواست استیفاء طلب خود را نموده اند به نسبت طلبی که دارند با رعایت مواد ۱۵۵ تقسیم می شود.

ماده ۱۵۴- تقسیم نامه رادادورز (مأمور اجرا) تنظیم و به طلبکاران اخطار می نماید تا از میزان سهم خود مطلع گردند.

ماده ۱۵۵- هر یک از طلبکاران که شکاتی از ترتیب تقسیم داشته باشد می تواند ظرف یک هفته از تاریخ اخطار دادورز (مأمور اجرا) راجع به ترتیب تقسیم به دادگاه مراجعه کند. دادگاه در جلسه اداری به شکایت رسیدگی و تصمیم قطعی اتخاذ می نماید در اینصورت تقسیم پس از تعیین تکلیف شکایت در دادگاه بعمل می آید.

ماده ۱۵۶- در صورتیکه به طلبکاری زائد از سهم او داده شده باشد مقدار زائد به نحوی که در ماده ۳۹ مقرر گردیده مسترد می شود.

ماده ۱۵۷- خسارت تأخیر تأدیه در صورتیکه حکم دادگاه تا تاریخ وصول مقرر شده باشد تا زمان تنظیم تقسیم نامه جزء طلب محکوم له محسوب خواهد شد.

### فصل هشتم هزینه های اجرائی

ماده ۱۵۸- هزینه های اجرائی عبارت است از:

۱- پنج درصد مبلغ محکوم به بابت حق اجرای حکم که بعد از اجراء وصول می شود. در دعاوی مالی که خواسته وجه نقد نیست حق اجراء به مأخذ بهای خواسته که در دادخواست تعیین و مورد حکم قرار گرفته حساب می شود مگر اینکه دادگاه قیمت دیگری برای خواسته معین نموده باشد.

۲- هزینه هایی که برای اجرای ضرورت داشته باشد مانند حق الزحمه خبره و کارشناس و ارزیاب و حق حفاظت اموال و نظائر آن.

ماده ۱۵۹- در تخلیه مورد اجاره غیر منقول صدی ده اجاره بهای سه ماه و در سایر مواردی که قانوناً تعیین بهای خواسته لازم نیست از هزار ریال تا پنجهزار ریال به تشخیص دادگاه بابت حق اجراء دریافت می شود.

**ماده ۱۶۰- پرداخت حق اجراء پس از انقضای ده روز از تاریخ ابلاغ اجرائیه برعهده محکوم علیه است ولی در صورتیکه طرفین سازش کنند یا بین خود ترتیبی برای اجرای حکم بدهند نصف حق اجراء دریافت خواهد شد و در صورتیکه محکوم به بیست هزار ریال یا کمتر باشد حق اجراء تعلق نخواهد گرفت.**

ماده ۱۶۱- اگر محکوم به وجه نقد باشد حق اجراء هم ضمن آن وصول می گردد و هرگاه محکوم له بعد از شروع اقدامات اجرائی رأساً محکوم به را وصول نموده باشد و محکوم علیه حاضر به پرداخت حق اجراء نشود حق مزبور از اموال محکوم علیه طبق مقررات اجرای احکام وصول می گردد. در اینصورت هزینه هایی که برای توقیف و فروش اموال محکوم علیه لازم باشد از صندوق دادگستری پرداخت شده و پس از وصول آن به صندوق مسترد می گردد.

ماده ۱۶۲- دادورز(مأمور اجرا) باید حق اجراء را بلافاصله پس از وصول در قبال اخذ دو نسخه رسید به صندوق دادگستری پرداخت کند و یک نسخه از رسید مزبور را به محکوم علیه تسلیم و نسخه دیگری را پیوست پرونده اجرائی نماید.

ماده ۱۶۳- دادورز(مأمور اجرا) باید جریمه نقدی مقرر در حکم قطعی را نیز به ترتیب مذکور در این قانون وصول نماید.

**ماده ۱۶۴- اجرای موقت حکم حق اجراء ندارد ولی اگر اجرای موقت به اجرای قطعی حکم منتهی شود حق اجراء وصول می گردد.**

ماده ۱۶۵- راجع به احکامی که قبل از خاتمه رسیدگی فرجامی نسبت به آنها اجرائیه صادر گردیده حق اجراء پس از وصول در صندوق دادگستری می ماند تا در صورت نقض حکم به محکوم علیه مسترد گردد.

ماده ۱۶۶- پنجاه درصد از حق اجراء طبق آئین نامه وزارت دادگستری به مصرف تهیه و بهبود وسائل لازم برای تسریع اجرای احکام و پاداش متصدیان اجراء می رسد و بقیه به حساب درآمد اختصاصی وزارت دادگستری منظور می گردد.

ماده ۱۶۷- مقررات این قانون شامل اجرائیه هایی نیز خواهد بود که قبل از این قانون صادر گردیده و در جریان اجراء می باشند لیکن آن مقدار از اقدامات اجرائی که مطابق قانون سابق بعمل آمده معتبر است.

**ماده ۱۶۸- هرگاه از تاریخ صدور اجرائیه بیش از پنجسال گذشته و محکوم له عملیات اجرائی را تعقیب نکرده باشد اجرائیه بلااثر تلقی می شود و در این مورد اگر حق**

اجراء وصول نشده باشد ديگر قابل وصول نخواهد بود. محكوم له مي تواند مجدداً از دادگاه تقاضاي صدور اجرائيه نمايد ولي در مورد اجراي هر حكم فقط يكبار حق اجراء دريافت مي شود.

فصل نهم - احكام

و اسناد لازم الاجراء كشورهاي خارجي

ماده ۱۶۹- احكام مدني صادر از دادگاه هاي خارجي در صورتيكه واجد شرايط زير باشد در ايران قابل اجراء است مگر اينكه در قانون به ترتيب ديگري مقرر شده باشد:

۱- حكم از كشور صادر شده باشد كه به موجب قوانين خود يا عهود يا قراردادها احكام صادره از دادگاه هاي ايران در آن كشور قابل اجراء باشد يا در مورد اجراي احكام معامله متقابل نمايد.

۲- مفاد حكم مخالف با قوانين مربوط به نظم عمومي يا اخلاق حسنه نباشد.

۳- اجراي حكم مخالف با عهود بين المللي كه دولت ايران آنها امضاء کرده يا مخالف قوانين مخصوص نباشد.

۴- حكم كشور كه صادر شده قطعي و لازم الاجرا بوده و بعلت قانوني از اعتبار نيفاده باشد.

۵- از دادگاه هاي ايران حكمي مخالف حكم دادگاه خارجي صادر نشده باشد.

۶- رسيدگي به موضوع دعوي مطابق قوانين ايران اختصاص به دادگاه هاي ايران نداشته باشد.

۷- حكم راجع به اموال غير منقول واقع در ايران و حقوق متعلق به آن نباشد.

۸- دستور اجراي حكم از مقامات صلاحيتدار كشور صادر کننده حكم صادره شده باشد.

ماده ۱۷۰- مرجع تقاضاي اجراي حكم دادگاه شهرستان محل اقامت يا محل سكونت محكوم عليه است و اگر محل اقامت يا محل سكونت محكوم عليه در ايران معلوم نباشد دادگاه شهرستان تهران است.

ماده ۱۷۱- در صورتيكه در معاهدات و قراردادهاي بين دولت ايران و كشور صادر کننده حكم ترتيب و شرايطي براي اجراي حكم مقرر شده باشد همان ترتيب و شرايط متبع خواهد بود.

ماده ۱۷۲- اجراي حكم بايد كتباً تقاضا شود و در تقاضانامه مزبور نام محكوم له و محكوم عليه و مشخصات ديگر آنها قيد گردد.

ماده ۱۷۳- به تقاضانامه اجراي حكم بايد مدارك زير پيوست شود:

۱- نسخه ای از رونوشت حکم دادگاه خارجی که صحت مطابقت آن با اصل بوسیله مأمور سیاسی یا کنسولی کشور صادر کننده حکم گواهی شده باشد با ترجمه رسمی گواهی شده آن به زبان فارسی.

۲- رونوشت دستور اجرای حکمی از طرف مرجع صلاحیتدار مربوط صادر شده یا ترجمه گواهی شده آن.

۳- گواهی نماینده سیاسی یا کنسول ایران در کشوری که حکم از آنجا صادر شده یا نماینده سیاسی یا کنسولی کشور صادر کننده حکم در ایران راجع به صدور و دستور اجرای حکم از مقامات صلاحیتدار.

۴- گواهی امضاء نماینده سیاسی یا کنسول کشور خارجی مقیم ایران از طرف وزارت امور خارجه.

ماده ۱۷۴- مدیر دفتر دادگاه عین تقاضا و پیوستهای آنرا به دادگاه می فرستد و دادگاه در جلسه اداری فوق العاده با بررسی تقاضا و مدارک ضمیمه آن قرار قبول تقاضا و لازم الاجراء بودن حکم را صادر و دستور اجرا میدهد و یا با ذکر علل و جهات، رد تقاضا را اعلام می نماید.

**ماده ۱۷۵- قرار رد تقاضا باید به متقاضی ابلاغ شود و نامبرده می تواند ظرف ده روز از آن پژوهش بخواهد.**

**ماده ۱۷۶- دادگاه مرجع پژوهش در جلسه اداری فوق العاده به موضوع رسیدگی و در صورت وارد بودن شکایت با فسخ رأی پژوهش خواهش امر به اجرای حکم صادر می نماید و در غیر اینصورت آن را تأیید می کند رأی دادگاه قابل فرجام نخواهد بود.**

ماده ۱۷۷- اسناد تنظیم شده لازم الاجراء در کشورهای خارجی به همان ترتیب و شرایطی که برای اجرای احکام دادگاه های خارجی در ایران مقرر گردیده قابل اجراء می باشد و بعلاوه نماینده سیاسی یا کنسول ایران در کشور که سند در آنجا تنظیم شده باشد باید موافقت تنظیم سند را با قوانین محلی گواهی نماید.

ماده ۱۷۸- احکام و اسناد خارجی طبق مقررات اجرای احکام مدنی به مرحله اجراء گذارده می شود.

ماده ۱۷۹- ترتیب رسیدگی به اختلافات ناشی از اجرای احکام و اسناد خارجی و اشکالاتی که در جریان اجراء پیش می آید همچنین ترتیب توقیف عملیات اجرائی و ابطال اجرائیه به نحوی است که در قوانین ایران مقرر است. مرجع رسیدگی دادگاه های مذکور در ماده ۱۷۰ می باشد.

ماده ۱۸۰- مواد مندرج در باب ششم قانون اصلاح محاکمات حقوقی مصوب ۱۳۲۹ قمری و مواد راجع به اجرای احکام در قانون تسریع محاکمات و سایر قوانینی که مخالف این قانون باشد ملغی است.

